

مصادیق و عواقب نقض حقوق بشر دوستانه در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۲۰۰۶

عباس تدینی*

سوران حیاتی

تاریخ دریافت: ؟؟؟؟؟

تاریخ پذیرش: ؟؟؟؟؟

۷۷

چکیده

به دنبال گروگان‌گیری دو سرباز اسرائیلی توسط نیروهای حزب‌الله، ارتش رژیم صهیونیستی حملات گسترده‌ای را از ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ علیه لبنان آغاز کرد. اسرائیل با این تهاجم، حقوق بشر به خصوص کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، دو پروتکل الحاقی آن و قطعنامه‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد را به تمسخر گرفت و بدان‌ها وقعی ننهاد. اسرائیل نام این تهاجم را «حق دفاع از خود» نهاد تا کار خود را توجیه کند. این تهاجم به کشته شدن صدها زن و کودک لبنانی که کوچک‌ترین دخالتی در جنگ نداشتند و ویرانی بسیاری از مناطق دور از صحنه درگیری انجامید.

واژگان کلیدی: حزب‌الله، اسرائیل، لبنان، جنگ ۳۳ روزه، حقوق بشر دوستانه

tadayoni@yahoo.com

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

heyati@alive.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شیراز

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال هفدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۵، صص ۸۷-۷۷.

◆ آمریکاشناسی . اسرائیل‌شناسی

جنگ اسرائیل علیه لبنان که در اسرائیل به جنگ دوم لبنان و در لبنان به جنگ ژوییه یا جنگ تموز معروف است، نبردی ۳۳ روزه بین ارتش اسرائیل و حزب‌الله لبنان بود که دامنه آن شمال اسرائیل و سراسر لبنان را دربر گرفت. این جنگ با قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۱۴ اوت ۲۰۰۶ پایان یافت.

اسرائیل و آمریکا بعد از سال ۲۰۰۰ توافق کرده بودند که باید حزب‌الله را از لبنان حذف کرد. تعبیرشان این بود که ماری وجود دارد که سر آن در تهران، وسط آن در سوریه و دم آن در لبنان است و مناسب‌ترین جایی که می‌توان به این مار لطمه زد، دم آن است؛ چراکه نزدیک بودن لبنان به اسرائیل، تهدید خطرناک‌تری برای آنهاست.

قرار بر این شد در ژوییه ۲۰۰۶ که با ماه مبارک رمضان مصادف بود، سیدحسن نصرالله و کل شخصیت‌های طرفدار وی، به هنگام سخنرانی روز قدس از فراز آسمان بیروت ترور شوند. نقشه آنها این بود که در هفته اول، آن قدر مناطق حزب‌الله در لبنان را بمباران کنند که بخش اعظم نیروها از بین برود. لذا در پی اختلاف در تبادل اسرا با رژیم صهیونیستی، ایهود اولمرت، نخست‌وزیر اسرائیل، با دستور مستقیم جورج بوش، رییس‌جمهور وقت آمریکا، حمله همه‌جانبه به لبنان را آغاز کرد.

برخلاف آنچه که ائتلاف فکری‌های کاخ سفید پیش‌بینی کرده بودند، نیروی هوایی اسرائیل در طول این جنگ حتی یک بمباران نتیجه‌بخش نداشت و برای ایجاد فشار و قتل‌عام غیرنظامیان، تنها به انهدام زیرساخت‌های شهرهای لبنان اقدام می‌کرد. در مقابل، نیروهای حزب‌الله با کنترل دامنه جنگ به کارگیری مرحله‌ای موشک‌های دوربرد خود موفق شدند صدمات زیادی را در بعد سیاسی و نظامی به اسرائیل وارد کنند که نتایج سیاسی موثری در پی داشت. در این جنگ رژیم اشغالگر قدس به کرات حقوق بشردوستانه را نقض و پایمال نمود. تا جایی که صدای سازمان‌های بین‌المللی نیز درآمد.

در بخش اول سعی گردیده است تا نگاهی اجمالی به حقوق بین‌الملل بشردوستانه انداخته شود و الزاماتی که اسرائیل ملزم به رعایتش بوده، شمرده شود. در این نگاه، بعد تاریخی این رشته از حقوق بین‌الملل نیز مورد توجه قرار گرفته است. در بخش دوم زمینه‌های بروز جنگ ۳۳ روزه بر ضد لبنان

بررسی شده و همچنین اهداف اساسی آمریکا در حمایت از تهاجم اسرائیل تشریح شده است. در بخش سوم به تخلفات فاحش رژیم صهیونیستی از مرزهای آمره و عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه پرداخته شده است؛ از آن جمله: تخلفات مستقیم اسرائیل، تحمیل صدمات جنگ بر غیر نظامیان و سپرهای انسانی، تبعیض نژادی در رفتار اسرائیل در طول جنگ ۳۳ روزه اسرائیل در این جنگ با کشتار گسترده غیرنظامیان و تخریب گسترده ساختارهای شهری لبنان، برگی دیگر بر کارنامه سیاه حقوق بشری خود افزود.

یک. حقوق بین‌الملل بشردوستانه

منازعات مسلحانه امروزی به دلیل به کارگیری شیوه‌های جدید، هدایت عملیات جنگی و استفاده از سلاح‌های پیشرفته در آنها بیش از پیش حیات بشری را تهدید می‌نماید. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۱: ۳۰۲) در ابتدا رعایت قواعد و مقررات حقوقی الزام‌آور در زمان مخاصمات مسلحانه با استقبال چندانی از سوی دولت‌ها مواجه نشد، اما به تدریج حقوق که هدف نهایی آن حمایت از حیات و کرامت ذاتی افراد می‌باشد وارد عرصه مخاصمات مسلحانه شد و دولت‌ها ملزم شدند که تعهداتی را در راستای حمایت از افراد در زمان جنگ بپذیرند و آنها را رعایت نمایند. (موسی‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۵۰) قواعد و مقررات حقوقی که در هنگام مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی بر روابط بین طرفین مخاصمه حاکم می‌گردد، به دنبال پیدایش جوامع اولیه و شکل‌گیری روابط دوستانه میان آنها، روابط خصمانه به دلیل بی‌عدالتی و استقلال‌طلبی ملت‌ها موجودیت پیدا می‌کند. جنگ بارزترین نمونه روابط خصمانه است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۹۵) قواعد و مقررات انسان‌دوستانه در ابتدایی‌ترین جنگ‌ها رعایت می‌شده است. در این عرصه نظام حقوقی اسلام بیش از سایر نظام‌های حقوقی جهان، قواعد بشردوستانه به جوامع بشری در راستای ارج نهادن به انسان و انسانیت عرضه نموده است. (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۹۹)

حقوق بین‌الملل بشردوستانه تاریخی‌ترین و قدیمی‌ترین بخش حقوق بین‌الملل است (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۵)، بنابراین شکل‌گیری آن به صورت امروزی برگرفته از وقایع و رویدادهای تاریخی است. (فلسفی، ۱۳۷۹: ۵۲۶) در سال ۱۸۵۹ جنگی میان فرانسه و اتریش در محلی به نام

سولفرینو در شمال ایتالیا روی داد و خسارات جانی و مالی فراوانی به طرفین جنگ وارد شد. این حادثه ناگوار هانری دونان تاجر معروف سوئسی را که به‌طور هم‌زمان در منطقه مذکور بود، تحت تاثیر قرار داد و موجب نگارش کتابی تحت عنوان *خاطرات سولفرینو* از سوی وی گردید. او در کتاب خودش دو پیشنهاد مهم و اساسی را مطرح کرد که پیشنهاد دومش منجر به تصویب معاهده‌ای در جهت بهبود شرایط مجروحین جنگی شد. (ممتاز، رنجبریان، ۱۳۸۶: ۲۳۹) این قرارداد موجب تدوین و تصویب کنوانسیون‌های لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و کنوانسیون چهارگانه ژنو (بوسچک و بلدسو، ۱۳۷۵: ۵۲) در سال ۱۹۴۹ توسط دولت‌ها شد که به‌ترتیب حقوق لاهه و حقوق ژنو نام دارد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۶۳)

مقررات حقوق لاهه و حقوق ژنو با تصویب دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ به‌صورت یک نظام حقوقی واحد و منسجم در آمده (موسی‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۰۳) و نقض حقوق بشردوستانه در جنگ ۳۳ روزه بر مبنای مقررات بین‌الملل حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاصر را تشکیل می‌دهند.

دو. زمینه‌های بروز جنگ ۳۳ روزه

در سال ۲۰۰۰، پس از هجده سال حضور نیروهای رژیم صهیونیستی در لبنان و پس از حماسه‌های حزب‌الله، ارتش این رژیم ناگزیر به عقب‌نشینی از لبنان شد. این پیروزی ملت لبنان در سال ۱۹۸۴ با نقض حقوق بشردوستانه در جنگ ۳۳ روزه بر مبنای مقررات بین‌الملل بازگشت اسیران لبنانی رنگ و بویی دیگر به‌خود گرفت. حزب‌الله لبنان به‌دنبال ناکامی از بازپس‌گیری بقیه اسیرانش در سال ۲۰۰۴ در ششم ژوئیه ۲۰۰۶ طی عملیاتی محدود با عبور از موانع مرزی دو سرباز این رژیم را اسیر کرد. اسارت سربازان رژیم صهیونیستی پیش از آنکه نشان‌دهنده پیروزی جناح‌های فلسطینی یا لبنانی باشد، شرمندگی رژیم اشغالگر قدس را به‌دنبال داشت و این آغازی برای درگیری‌های چندجانبه رژیم اشغال‌گر قدس با نیروهای حزب‌الله و با ملت لبنان در مرز، شهرها و روستاها و پناه‌گاه‌ها شد.

یک - دو. اهداف حمله

اسرائیل به بهانه اسارت دو سرباز خود به دست حزب‌الله در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ دست به تهاجم وسیعی علیه حزب‌الله لبنان زد، ولی در پس این حمله، اسرائیل و آمریکا به دنبال اهداف اساسی برای خود بودند. سه هدف مهم این کشورها را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

الف) آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر طرح خاورمیانه بزرگ را در دستور کار قرار داد. طرح خاورمیانه در سه سطح مطرح است: یکی، ایجاد نوعی هم‌گونی ساختاری در منطقه خاورمیانه با محوریت الگوهای ارایه شده از سوی غرب؛ دوم، ایجاد هم‌گرایی در منطقه با محوریت اسرائیل؛ سوم، اتحاد و ائتلاف این منطقه هم‌گرا با آمریکا و نه سایر قدرت‌های بین‌المللی. (بلوردی، ۱۳۹۱: ۱۳۰)

آمریکا برای ایجاد هم‌گونی در گام اول به افغانستان و سپس عراق حمله کرد و ساختارهای حکومتی این دو کشور را براساس الگوهای پیشنهادی خود تغییر داد. همچنین با استفاده از قوه قهریه در این دو کشور، سعی کرد نوعی سیاست اربعایی در منطقه ایجاد کند تا سایر کشورهای منطقه نیز زیر فشار روانی و سیاسی به اصلاحات داوطلبانه در جهتی که آمریکا تعیین کرده است، دست بزنند. اما آمریکا در اجرای این طرح با پنج کانون مقاومت در منطقه روبه‌رو شد: ایران، سوریه، حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی. به اذعان آنها، برای حل این معضل نیز که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع اجرای این طرح به‌شمار می‌رود، با پرونده‌سازی برای هر یک از طرف‌ها از جمله: توطئه اتمی برای ایران، پرونده ترور حریری برای سوریه، قطعنامه ۱۵۵۹ برای حزب‌الله، و به‌کار بردن لفظ گروه‌های تروریستی برای حماس و حرکت جهاد اسلامی فلسطین و در گام بعدی محاصره سیاسی و اقتصادی، سعی کرد از طریق افزایش تشدید فشار، قدرت‌های مقاوم را در منطقه مهار و وادار به تسلیم در برابر آمریکا کند.

از آنجا که اساسا تلاش‌های سیاسی و سیاست فشار برای غرب نتیجه‌بخش نبوده است، غرب راهی جز اینکه وارد مرحله بالاتری شود نیافت و آن استفاده از قوه قهریه برای ایجاد تغییر است. به‌نظر می‌رسد حمله به نوار غزه و لبنان با یک هدف یعنی از بین بردن کانون‌های مقاومت در سطح منطقه خاورمیانه انجام گرفته است. به همین دلیل حمله به فلسطین و لبنان هدف مشترک اسرائیل و آمریکا بود. (شفیعی، مرادی، ۱۳۸۸: ۵۳)

◆ *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسرائیل‌شناسی، سال هفدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۵*

ب) اسرائیل بدان علت وارد جنگ شد که توان نظامی حزب‌الله را تضعیف کند و با نابودی مناطق شیعه‌نشین براساس راهبرد جداسازی ماهی و آب، حزب‌الله را از پایگاه اجتماعی خود دور و دچار تضاد و تعارض کند و در نتیجه تضعیف حزب‌الله شرایط جدیدی در لبنان به وجود بیاورد تا تحولات سیاسی مورد نظر در لبنان به صورت روان‌تر انجام بگیرد.

ج) مساله بسیار مهم دیگر در تصمیم حمله به لبنان توسط اسرائیل، تاثیرگذاری مستقیم حزب‌الله بر شرایط داخلی فلسطین بود. زمانی که حزب‌الله در سال ۱۹۸۲ الگوی تشکیلاتی خود را براساس حرکت توده‌وار در لبنان شروع کرد، تاثیر آن بر انتفاضه ۱۹۸۷ در فلسطین کاملاً آشکار بود. با شروع مقاومت مسلحانه حزب‌الله بر ضد اشغالگران، بازتاب این مساله در انتفاضه مسجدالقصی نمایان بود و الگوبرداری‌ها به خصوص در ارتباط با عملیات شهادت‌طلبانه شدت گرفت. زمانی که حزب‌الله در سال ۱۹۹۳ از طریق پارلمان وارد نظام رسمی شد، حماس هم همان تصمیم را گرفت و در انتخابات می ۲۰۰۵ شرکت کرد. حتی حزب‌الله و امل در مورد گفتگوهای وفاق ملی هم در یک جهت حرکت کردند. حماس نیز هنگامی که در قدرت با فشار مواجه می‌شود، باز الگوی خود را از حزب‌الله می‌گیرد. بنابراین، از آنجا که حزب‌الله الگوی جامعه فلسطین و نیروهای مقاومت آن قرار گرفته، بهانه دیگری به اسرائیل در حمله به حزب‌الله داده است.

دو- دو. تجاوز کارانه بودن اقدام اسرائیل از دیدگاه شورای امنیت

فارغ از مسائل امنیتی بلندمدت مرتبط با درگیری مسلحانه حزب‌الله با اسرائیل، خشونت‌های مسلحانه این رژیم که به کشتار وسیع غیرنظامیان و تخریب گسترده مناطق مسکونی و شهرهای بی‌دفاع این کشور منجر شده است، مهم‌ترین محوری بوده که افکار عمومی و سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه غیردولتی و بشردوستانه نظیر صلیب سرخ برای خاتمه دادن به این خشونت‌ها طرح کرده‌اند. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه ۱۷۰۱، تجاوز کارانه بودن اقدامات نظامی اسرائیل در آغاز جنگ ۳۳ روزه را با به‌کارگیری واژگانی خاص و تلویحی مورد تایید قرار داده است. (فراسیون، ۱۳۵۴: ۸۶) نکته قابل توجه در این خصوص آن است که نص و عبارت‌پردازی قطعنامه در ضمن تفکیک حملات حزب‌الله و اسرائیل چنین است: «توقف کامل

خشونت‌ها به‌ویژه توقف فوری تمام حمله‌های حزب‌الله لبنان و توقف فوری تمام عملیات تهاجمی ارتش اسرائیل». در خصوص آنچه از این بند به‌دست می‌آید، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از یک نظر این بند از قطعنامه موجد یک نکته بسیار مهم حقوقی است: شناسایی ضمنی اسرائیل به‌عنوان رژیم متجاوز و ناقض حقوق توسل به زور. براساس این دیدگاه، این همان چیزی است که شورا متعاقب بحث‌های مفصل به صورت ضمنی در قطعنامه اشاره نمود.

سه. تخلفات فاحش از حقوق بشر دوستانه

یک - سه. مبهم‌سازی وضعیت حقوقی جنگ ۳۳ روزه

اسرائیل با تکیه بر مبهم‌سازی وضعیت حقوقی جنگ ۳۳ روزه، یعنی وجود یا فقدان شرایط شکل‌گیری مفهوم «درگیری مسلحانه»، در جستجوی طفره رفتن از اجرای تعهدات بشردوستانه ناشی از معاهدات بین‌المللی و حقوق عرضی برآمده است. (شیایزری، گیتی، گریانک، ساک، ۱۳۸۳: ۱۹۸) اسرائیل به‌کرات بعد از آغاز مخاصمات، اظهار داشته که تنها خود را پاسخ‌گوی اقدامات دولت حاکم لبنان می‌داند و نه اقدامات حزب‌الله. دستاویز اسرائیل، بین‌المللی نبودن ماهیت حزب‌الله از یک‌سو و عدم اعلان رسمی نمایندگی حزب‌الله از سوی دولت لبنان است.

بی‌اساس بودن این موضع را می‌توان از نظریات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دریافت؛ تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از کنوانسیون چهارگانه ژنو مقرر می‌دارد که احراز وجود درگیری مسلحانه بین دولت‌ها که در آنها کنوانسیون اعمال می‌شود، به اعلام رسمی جنگ یا شناسایی دولت طرف مخاصمه بستگی ندارد، بلکه وجود عینی درگیری مسلحانه بین دو دولت عضو به‌صورت خودبه‌خود موجب تحقق شرایط اعمال کنوانسیون می‌گردد. (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

بنابراین، هرگونه مخاصمه بین نیروهای اسرائیل و لبنان و نیروهای مسلح منظم و نامنظم واقع در قلمرو این کشور، در چارچوب و تابع کلیه مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو قرار می‌گیرد. (رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۰۵) عمده‌ترین محورهای حقوق بشردوستانه قابل اعمال بر درگیری‌های بین‌المللی اصل تفکیک (مصونیت غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی از شمول حمله)، تناسب حمله به رزمندگان و اهداف نظامی با منافع و ضروریات نظامی و همچنین حرمت افراد و اهداف بی‌طرف و

متعلق به غیرمتخاصمین به‌ویژه دولت‌های بی‌طرف و سازمان‌های بین‌المللی امدادی است، (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۳۸۲) تعهداتی که به‌کرات توسط نیروهای اسراییلی طی جنگ ۳۳ روزه، نقض گردیدند. اسراییل با وجود نامشروع بودن تجاوز به لبنان و در عین داشتن مسئولیت ناشی از این تجاوز، به‌دلیل ماهیت عرفی کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و التزام قرار دادی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، ملزم به رعایت اصول تفکیک، تناسب و حرمت بی‌طرفی است. با این حال، این رژیم به‌وضوح از رعایت این اصول پرهیز نموده است. عمده‌ترین مصادیق جنایات اسراییل از حقوق بشردوستانه که به ارتکاب جنایات جنگی انجامیده‌اند، عبارتند از: هدف حمله قرار دادن جمعیت و افراد غیرنظامی که در درگیری مشارکت نداشته‌اند؛ تهاجم مستقیم و عمدی بر اهداف غیرنظامی؛ تهاجم عمدی به کارکنان یا اهداف درگیر در اقدامات امدادی و ماموریت‌های حفظ صلح؛ مرگ یا ضرب و جرح اتفاقی غیرنظامیان و صدمه اتفاقی به اهداف غیرنظامی فراتر از معیار تناسب؛ استفاده عمدی از سپرهای انسانی؛ خودداری از اتخاذ تدابیر حفاظتی درباره حمایت از غیرنظامیان از یک سو و تبعیض در حمایت از اعراب ساکن سرزمین‌های اشغالی نیز نمونه‌هایی دیگر از تخلفات این رژیم از حقوق بشردوستانه محسوب می‌شوند.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقرر می‌دارد طرفین مخاصمه باید همواره مراقب باشند که در طول عملیات نظامی جمعیت غیرنظامی را در امان داشته و کلیه احتیاط‌های ممکن را برای جلوگیری یا کاهش صدمات اتفاقی بر حیات آنها و همچنین صدمه به غیرنظامیان و ایراد خسارت به اهداف غیرنظامی به عمل آورند. اتخاذ تدابیر احتیاطی، ناظر بر هر دو طرف مخاصمه است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۲۳)

دو- سه. اعمال تبعیض نژادی در حملات اسراییل

در طول جنگ ۳۳ روزه، اسراییل عملاً تدابیر حمایتی خود از غیرنظامیان مقیم سرزمین‌های اشغالی و مناطق شمالی را به «یهودیان» محدود نمود؛ غیرنظامیان عرب ساکن این مناطق را به هدف اصلی و انحصاری درگیری‌ها و شلیک موشک‌های کاتیوشای حزب‌الله تبدیل نمود. این در حالی است که رفتار رژیم اسراییل با سکنه مقیم این سرزمین‌ها خواه در پرتو حقوق

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسراییل‌شناسی، سال هفدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۵

بشر و خواه حقوق بشردوستانه، نه تنها برابر و یکسان و بی توجه به شاخص‌های نژادی تعبیه شده، بلکه نفی تبعیض نژادی در سایت‌های حمایت از غیرنظامیان در طول جنگ، قاعده‌ای آمرانه از حقوق بین‌الملل است (رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۵۰)؛ قاعده‌ای که به‌وضوح از سوی اسرائیل نقض شده و سطح مهمی از قربانیان غیرنظامی این جنگ، نشأت گرفته از همین سیاست‌ها بوده است. در این خصوص، شهروندان عرب و سازمان‌های غیردولتی که مدعی تبعیض‌اند، اظهار داشتند که اسرائیل اطلاعات ناکافی به عرب‌زبانان ارائه کرده و سیستم‌های اعلام خطر غیرمؤثر برای مناطق عرب‌نشین به‌کار گرفته و تعداد پناهگاه‌های اندکی را نیز به این افراد اختصاص داده است. مقامات اسرائیلی استفاده عمدی از سیستم‌های اعلام خطر غیر کارآمد برای جمعیت‌های عرب از این مناطق را تکذیب کردند و توزیع امکانات و خدمات امدادی و پناهگاه‌ها را بسته به میزان افراد و اموال در معرض خطر تلقی نموده‌اند. اما بررسی‌های عینی برخی سازمان‌های بین‌المللی امدادی و بشردوستانه ثابت کرده‌اند که تمرکز بر حمایت از یهودیان مقیم مناطق در معرض حملات موشکی حزب‌الله، تعهدی و بر مبنای سیاست تبعیض بوده است.

به‌نظر می‌رسد با ذکر موارد فوق، تخلف اسرائیل از هنجارهای حقوق بشردوستانه در جریان تجاوز به لبنان در سال ۲۰۰۶، محرز و در نتیجه مسئولیت بین‌المللی این رژیم در برابر دولت و ملت لبنان و همچنین جامعه بین‌المللی مسلم است.

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن اینکه اسرائیل طرف مهاجم جنگ ۳۳ روزه بوده و در این جنگ ایدئولوژیک نیز و با قصد نابودسازی جنبش حزب‌الله به‌عنوان مهم‌ترین جنبش مقاومت مردمی لبنان عمل نموده است، بسیاری از موازین و هنجارهای حقوق درگیری‌های مسلحانه را نقض نمود و مورد تجاوز قرار داد.

موارد دارای نگرانی ویژه در طول درگیری حاضر (جنگ ۳۳ روزه)، اقدامات زیر هستند که به ارتکاب جنایت جنگی انجامیده‌اند: هدف حمله قرار دادن جمعیت و افراد غیرنظامی که در درگیری مشارکتی نداشته‌اند؛ هدف حمله قرار دادن اهداف غیرنظامی یعنی اهدافی که نظامی نیستند؛

حمله به کارکنان یا اهداف درگیر در اقدامات امدادی یا ماموریت‌های حفظ صلح، ایجاد مرگ یا ضرب و جرح اتفاقی غیرنظامیان و صدمه اتفاقی به اهداف غیرنظامی که به روشنی بیش از منفعت و فایده نظامی مستقیم و دقیق پیش‌بینی شده است؛ استفاده عمدی از افراد و اهداف غیرنظامی برای سپردن نیروها و تجهیزات از شمول حمله.

حزب‌الله نیز در کلیه مقاطع درگیری، الزامات دفاعی و اقدامات نظامی مقاومت در برابر تجاوز اسرائیل را در پرتو درک تعهدات حقوقی بین‌المللی ناشی از وضعیت‌های جنگ ترسیم نمود. در واقع، نقش و سهم داشتن قواعد حقوق بشر دوستانه در شکل‌گیری و اجرای تاکتیک‌ها و راهبردهای این جنبش در طول جنگ، کاملاً مسلم و مشهود است. حزب‌الله با شناسایی مبانی و برآیندهای این تعهدات و قواعد، به تفسیر آنها هم در قبال خود و هم رفتار رژیم متخاصم اسرائیل پرداخت.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. بلوردی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «عربستان سعودی و جنگ اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال ۷، شماره‌های ۲۶ و ۲۷.
۲. بوسچک و رابرت بلدسو، ترجمه بهمن آقایی (۱۳۷۵)، فرهنگ حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات گنج دانش.
۳. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، «درس حقوق بین‌الملل عمومی» (جزوه درسی)، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. حسینی‌نژاد، حوریه (۱۳۸۸)، «جنگ علیه حقوق جنگ»، مجله حقوقی بین‌المللی، مرکز امور حقوق بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۴۰.
۵. رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «تاملی چند بر منابع قراردادی حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۳.
۶. رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷)، «حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه»، مجموعه مقالات بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران: دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه.
۷. شیابزری، گیتی، گریانک، ساک، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل کیفری، تهران: انتشارات سمت.
۸. شفیعی، نوذر و مرادی، احمد (۱۳۸۸)، «تاثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱، شماره ۱.
۹. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰)، حقوق جنگ، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۰. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۱)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۱. فراسیون، منصور (۱۳۵۴)، راهنمای سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ.
۱۲. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۹)، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو.
۱۳. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. ممتاز جمشید و رنجبریان امیرحسین (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات داخلی، تهران: نشر میزان.
۱۵. موسی‌زاده، رضا (۱۳۷۸)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۶. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۳)، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران: نشر میزان.